

تاثیر فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

* حسین اعتمادی

** جعفر باباجانی

*** عادل آذر

**** زهرا دیانتي دیلمی

چکیده

یکی از مهمترین وظایف مدیران، تهیه و انتشار اطلاعات مالی شرکت است. در کشورهای توسعه یافته تحقیقات بسیاری در جهت روشن ساختن عوامل موثر بر نحوه گزارشگری اطلاعات در شرکتهای انجام شده است، اما در کشور ایران خلاء تحقیقاتی شدیدی در این زمینه وجود دارد. از اینرو در تحقیق حاضر سعی شده تا برخی از جنبه های سازمانی اثرگذار بر کیفیت اطلاعات مالی (شامل فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت، ساختار مالکیت) مورد توجه و بررسی قرار گیرد. در این تحقیق از روش مدل معادلات ساختاری و نرم افزار $spls2$ که مبتنی بر روش حداقل مربعات جزئی و واریانس محور است، استفاده گردید. زیرا این روش در اولین مراحل تدوین و ارائه یک تئوری مناسبتر است و درضمن به حجم نمونه زیاد و فرض نرمال بودن جامعه محدود نیست. نتایج این تحقیق که روی ۱۰۵ شرکت بوردی انجام شد نشان می دهد سه عامل فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکتهای اثر گذارند. از میان این عوامل، ساختار مالکیت کمترین اثر مستقیم را بر کیفیت اطلاعات دارد اما حایز اهمیت ترین نقش آن، اثر تعدیل شونده است که بر ارتباط بین فرهنگ سازمانی و کیفیت اطلاعات مالی و نیز رابطه بین تمرکز مالکیت و کیفیت اطلاعات مالی دارد. بنحوی که هرچه ساختار مالکیت شرکتی خصوصی تر باشد،

* دانشیار گروه حسابداری دانشگاه تربیت مدرس

** دانشیار گروه حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی

*** استاد گروه مدیریت دانشگاه تربیت مدرس

**** دکتری حسابداری دانشگاه تربیت مدرس

تمرکز مالکیت منجر به افزایش کیفیت اطلاعات مالی می شود، این در حالی است که درشرکتهای با مالکیت کمتر خصوصی، این رابطه برعکس می باشد. از اینرو پیشنهاد می شود تا ترتیبی اتخاذ شود که شرکتهای غیرخصوصی/ با مالکیت کمتر خصوصی، تنها مجاز به داشتن حداکثر ۲۵٪ سهام شرکتهای بورسی (بطور مستقیم یا با واسط و از طریق شرکتهای زیر مجموعه ایشان) باشند. مفاهیم کلیدی: کیفیت اطلاعات مالی، قابلیت اتکا اطلاعات، مربوط بودن اطلاعات، فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت، ساختار مالکیت.

مقدمه

یکی از فرضیه ها که از دیرباز در حسابداری مقرر شده است، فرض تفکیک شخصیت است. براساس این فرض باید به شرکت به دید یک شخصیت حقوقی مستقل نگریست. الگویی که این تحقیق بدنبال پی ریزی و شکلهی آن است، بر این اصل استوار شده است که همانند انسان که هرآنچه از او نمود می یابد ماحصل شخصیت حقیقی اوست که شکل گرفته در بستر فرهنگی است که در ذهن و اندیشه او رسوخ کرده است، آنچه شرکت به عنوان یک شخصیت حقوقی، نمود می یابد نیز ماحصل فرهنگ، هنجارهای اخلاقی و ساختارهایی است که آن شرکت را بنا کرده اند. اگر شرکتی به مسائل مربوط به حفظ محیط زیست و کنترل کیفیت محصولات و گزارشگری بیشتر بها می دهد، نه فقط بخاطر فشارهای بیرونی حاکم بر شرکت بلکه بخاطر نوع شخصیت آن شرکت است.

این مقاله بدنبال ارائه الگویی درخصوص این موضوع است که کیفیت اطلاعات مالی شرکتها که نمودی از سیستم حسابداری و نتیجه کار آنهاست، معلول شخصیت آن شرکت است و شخصیت هر شرکت هم شکل گرفته از فرهنگ، اخلاقیات و ساختار مالکیتی اش می باشد. بنابراین، ارائه اطلاعات با کیفیت تر (که منجر به رونق بازار سرمایه و بالتبع اقتصاد کشورها می شود) علاوه بر اینکه مستلزم تنظیم و اجرای قوی مقررات اجتماعی، مالی و حقوقی از سوی دولت و سایر نهادهای مرتبط است، مرهون سرمایه گذاری و برنامه ریزی جهت بهبود شخصیت درونی شرکتها نیز می باشد. از سوی دیگر، براساس تئوری نهادی^۱ عوامل محیطی تاثیر بسزایی بر رفتار شرکتها دارند (Meyers & Rowan, 1977). این تئوری توصیف اجتماعی رفتار یک سازمان است و تمرکزش بر فشارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که بر ساختار فعالیتها و رویه های سازمانی تاثیر گذارند و آن را شکل می دهند. براساس این تئوری تمام فعالیتهای اقتصادی در بافت روابط و چارچوبی از روشها و

هنجارهای اجتماعی جاگرفته اند. هنگامی که این چارچوبها در یک سازمان نهادینه می شوند، در آن سازمان حالت قانونی پیدا می کنند و بدون اینکه راجع به آنها سوآلی شود، مبدل به یک فرض مسلم و سبک رفتاری می شوند، که حتی به کارکنان جدید الورد نیز منتقل می گردند. براین اساس، تمرکز این مقاله بر عوامل سازمانی است که روی شخصیت یک سازمان، رفتار افراد درون آن و نهایتاً کیفیت اطلاعات مالی تهیه شده توسط آنها اثر می گذارد. از آنجا که کیفیت اطلاعات مالی یکی از عوامل کلیدی موفقیت شرکتهای در محیط پر رقابت کنونی است، نظام حسابداری و شخصیت سازمانی شرکتهای باید بگونه ای باشد که سیستمهای اطلاعاتی شرکت را در جهت ارائه اطلاعات با کیفیت سوق دهد. بررسی نوشتارهای موجود در زمینه مدیریت کیفیت، کیفیت اطلاعات، و سیستمهای اطلاعاتی حسابداری نشان دهنده وجود خلاء تحقیقاتی درخصوص تبیین عوامل سازمانی تأثیرگذار بر کیفیت اطلاعات مالی است. بنابراین مقاله حاضر، تحقیقی است درجهت آرایه الگویی درخصوص کیفیت اطلاعات مالی، با توجه به اثر برخی از مهمترین عواملی که سازنده شخصیت یک سازمان هستند؛ شامل فرهنگ سازمانی (فردگرایی، مردمنشی، فاصله قدرت، اجتناب از عدم اطمینان)، ساختار مالکیت، و تمرکز مالکیت.

ادبیات تحقیق

کیفیت اطلاعات مالی: اگر بخواهیم ویژگیهای کیفی اطلاعات مالی را بطور خلاصه تعریف کنیم شاید بهترین تعریف همان تعریف ارائه شده توسط ویکری (Vickrey, 1985) است که می گوید "ویژگیهای از اطلاعات که موجب سودمندی آن می شود". برای اینکه اطلاعات باکیفیت تلقی شوند باید حایز یکسری خصوصیات کیفی باشند. این خصوصیات باعث می شود تا اطلاعات ارائه شده در صورتهای مالی برای استفاده کنندگان در راستای ارزیابی وضعیت مالی، عملکرد مالی، و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری مفید واقع شود. خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با محتوای اطلاعات عبارتند از "مربوط بودن" و "قابل اتکا بودن" که این دو خصوصیت نیز خود متشکل از خصوصیات دیگری هستند. اطلاعاتی **مربوط** تلقی می شوند که بر تصمیمات اقتصادی استفاده کنندگان در ارزیابی رویدادهای گذشته، حال و آینده یا تایید و تصحیح ارزیابیهای گذشته آنها موثر واقع شود. برای اینکه اطلاعات مربوط باشند باید ارزش پیش بینی و قابلیت تایید (ارزش بازخورد) داشته باشند و

به موقع در اختیار استفاده کنندگان قرار بگیرند. اطلاعاتی **قابل اتکا** هستند که کامل بوده، عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه با اهمیت باشند و بطور صادقانه معرف آن چیزی باشد که مدعی بیان آن است یا بگونه ای معقول انتظار می رود بیان کند. برای اینکه اطلاعات قابل اتکا باشند نیز باید کامل بوده، بیطرفانه و محتاطانه و بیانی صادقانه و با رعایت رجحان محتوا بر شکل تهیه و ارائه شوند.

فرهنگ سازمانی: برای فرهنگ سازمانی تعاریف بسیار زیاد و متنوعی بیان شده است. مطابق نظر هوفستد (۱۹۸۳) فرهنگ سازمانی، مجموعه ای از ارزشهای کلیدی، باورها، تفاهم هایی است که بین اعضای یک سازمان مشترک هستند. در این تحقیق با توجه به توضیحات ارائه شده در بخش روش انجام تحقیق، از ابعاد فرهنگی مطرح شده توسط هوفستد برای سنجش فرهنگ سازمانی شرکتهای نمونه استفاده شده است. این جنبه های فرهنگی عبارتند از: ۱- فاصله قدرت کم در مقابل زیاد، ۲- اجتناب از عدم اطمینان به آینده در مقابل بالاتر کیفی، ۳- فردگرایی در مقابل جمع گرایی، ۴- فردگرایی در مقابل جمع گرایی، ۵- مردمنشی در مقابل زن منشی پنج سال بعد از اینکه هوفستد ابعاد فرهنگی را مطرح نمود، گری (۱۹۸۸) به بسط مدل او پرداخت و ارزشها و عملکردهای حسابداری را به عنوان یک زیرمجموعه به ارزشهای اجتماعی و پیامدهای نهادی اضافه نمود. مدل هوفستد- گری، چارچوب و مبنایی را برای انجام تحقیقات تجربی در زمینه های مختلف از جمله مباحث مدیریتی فراهم ساخته است. بنحوی که تا کنون محققان بسیاری به آزمون تجربی این مدل پرداخته اند. برای نمونه می توان به تحقیقات زیر که به نوعی همراستا با تحقیق حاضر هستند اشاره نمود:

گری و وینت (۱۹۹۵) به بررسی تاثیر فرهنگ بر افشای اطلاعات حسابداری (بعد پنهانکاری / شفافیت اطلاعات) در ۲۷ کشور پرداختند. آنان میزان افشای یکسری اقلام مالی و غیر مالی (اعم از اختیاری و غیر اختیاری) را به عنوان تعریف عملیاتی پنهانکاری / شفافیت اطلاعات در نظر گرفتند. نتایج تحقیق آنان مؤید وجود روابط قوی بین ارزشهای فرهنگی جوامع (به خصوص اجتناب از عدم اطمینان و فردگرایی) و میزان افشای اطلاعات مالی در آن جوامع می باشد. وینگیت (۱۹۹۷) با بررسی محیط حسابداری در بیش از ۳۰ کشور جهان، بدین نتیجه رسید که شرکتهای در جوامع فردگرا ملزم به افشاء اطلاعات بیشتری هستند. در ضمن در جوامعی که در آنها اجتناب از عدم اطمینان کم است، افشاء کامل اطلاعات باعث

افزایش رقابت می شود که این امر زمینه سازی است برای ستیز و اقامه دعوی قضائی علیه شرکتهای. میزان دادخواهی قضایی نیز با مردمنشی و فردگرایی رابطه مستقیم و با اجتناب از عدم اطمینان رابطه معکوس دارد. بعبارت دیگر، نتایج این تحقیق بیانگر آن است که در فرهنگهای فردگرا با اجتناب از عدم اطمینان کم (نظیر ایالات متحده آمریکا و سوئد) میزان افشاء اطلاعات بیشتر است، اما میزان دادخواهی قضایی این کشورها بیشتر از کشورهای است که جمع گرا بوده و اجتناب از عدم اطمینان در آنها بالاست، نظیر سنگاپور و آرژانتین. دهوی، میرینو و کونوور (۲۰۰۲) با بررسی گزارشات مالی شرکتهای مصری و تحلیل محتوای اطلاعاتی این گزارشات دریافتند که بدلیل بالاترین بلاتکلیفی (اجتناب از عدم اطمینان) و فاصله قدرت زیادی که بر فرهنگ کشور مصر حاکم است، مدیران مصری تمایل شدیدی به پنهانکاری دارند اطلاعات منتشره توسط این شرکتهای به میزان قابل توجهی بسیار کمتر از موارد افشاء در استانداردهای بین المللی می باشد. با توجه به تحقیقات فوق می توان نتیجه گرفت که فرهنگ عاملی تأثیر گذار بر سیستم حسابداری شرکتهای می باشد. با توجه به تحقیقات مذکور فرضیه اول تحقیق بصورت زیر مطرح شده است

فرضیه اول: فرهنگ سازمانی بر کیفیت اطلاعات مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار موثر است.

از سوی دیگر با توجه به الگوی ارائه شده توسط گری (۱۹۸۸)، فرضیه های تکمیلی زیر نیز مطرح شده اند:

فرضیه دوم: در آن دسته از شرکتهای پذیرفته شده در بورس که فاصله قدرت بیشتر است، کیفیت اطلاعات مالی کمتر است.

فرضیه سوم: در آن دسته از شرکتهای پذیرفته شده در بورس که بالاترین بلاتکلیفی بیشتر است، کیفیت اطلاعات مالی کمتر است.

فرضیه چهارم: در آن دسته از شرکتهای پذیرفته شده در بورس که فردگرایی بیشتر است، کیفیت اطلاعات مالی کمتر است.

فرضیه پنجم: در آن دسته از شرکتهای پذیرفته شده در بورس که مردمنشی بیشتر است، کیفیت اطلاعات مالی کمتر است

ساختار مالکیت^۲: واژه مالکیت در فرهنگ معین (۱۳۸۴) به معنی "حقی است که انسان نسبت به شئی دارد و می تواند هرگونه تصرفی در آن بنماید بجز آنچه که مورد

استثنای قانون است." منظور از ساختار مالکیت، مشخص کردن بافت و ترکیب سهامداران یک شرکت و بعضاً مالک عمده نهایی سهام آن شرکت است. بسیاری از نظریه پردازان اقتصادی عقیده دارند که هر یک از انواع مالکیت نیز می تواند بر عملکرد شرکتها تاثیرگذار باشد. لذا، روشهای کنترل عملکرد مدیران و عوامل مؤثر بر عملکرد آنها و همچنین شیوه اندازه گیری تاثیر هر یک از انواع مالکیت بر عملکرد شرکتها، از جمله مسائلی است که طرف توجه و علاقه سهامداران، مدیران و محققان بسیار است. بطور کلی این نوع تحقیقات را می توان به ۴ دسته زیر تقسیم کرد:

- ۱- تحقیقاتی که به بررسی میزان حمایت از سرمایه گذاران و رابطه آن با ساختار مالکیت شرکتهای سهامی در کشورهای مختلف پرداخته اند،
- ۲- تحقیقاتی که به بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر ارزش شرکتها در یک کشور و یا بطور مقایسه ای در بین کشورهای مختلف پرداخته اند،
- ۳- تحقیقاتی که به بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکتها پرداخته اند،
- ۴- تحقیقاتی که به بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر سیاستهای شرکت (اعم از سیاست تقسیم سود، مخارج تحقیق و توسعه، اهرم مالی) پرداخته اند.

برای نمونه، بال و شیواکومار (۲۰۰۵) شواهدی را از ۲۵ کشور دارای نظام حقوقی عرفی و نظام حقوقی موضوعه طی سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ شامل بیش از ۴۰۰۰۰ نمونه (شرکت - سال) ارائه داده اند. شواهد ارائه شده مطابق با این فرض می باشد که الگوی راهبری مالکیت پراکنده در کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی، نسبت به الگوی راهبری مالکیت متمرکز در کشورهای دارای نظام حقوقی موضوعه، افشای به موقع تر اطلاعات مالی را باعث شده است. با توجه به اهمیت کاهش ریسکهای مالی در بازار، ایشان مشاهده کردند که در کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی، اخبار بد به موقع افشا می شود. یکی از دلایل آن این است که افشای اخبار بد توسط مدیریت از قابلیت اتکای بیشتر برخوردار است و می تواند به عنوان اطلاعات مفید برای تأمین کنندگان بیرونی سرمایه مورد استفاده قرار گیرد. به علاوه در این کشورها، نارسائی در افشای اخبار بد با اهمیت در زمان مناسب، می تواند منجر به اقامه دعاوی حقوقی توسط سهام داران شود، بدین نحو که زیان (خسارت) وارده به خود را به مسئله اطلاع مدیریت از اخبار بد و عدم انتشار عمومی آن مرتبط می سازند.

نتایج تحقیق دنگ و ونگ (۲۰۰۶) نشان می دهد بین ساختار مالکیت و ریسک عدم سلامت مالی شرکتهای چینی رابطه معکوس وجود دارد. شرکتهایی که اکثر سهام آنها در

اختیار نهادهای دولتی است، احتمال بیشتری می رود که در معرض عدم سلامت مالی قرار گیرند. در ضمن بین مالکیت مدیریت (هیات مدیره) و عدم سلامت مالی شرکتهای، ارتباطی پیدا نشد. دلیل این امر شاید کم بودن تعداد (در اقلیت بودن) مدیران در مقایسه با کل سهامداران شرکت باشد. دینگ، هوآ و جونگسی (۲۰۰۷) با بررسی ۲۷۳ شرکت چینی با مالکیت خصوص و دولتی به این نتیجه رسیدند که بین مدیریت سود و ساختار مالکیت رابطه غیر خطی (U شکل) وجود دارد. بنحویکه شرکتهای با مالکیت خصوصی، تمایل زیادی به حداکثر کردن سود حسابداری خود دارند. از سوی دیگر، تعقیب منافع شخصی توسط مالکان عمده (اکثریت) یا عبارتی اثر تمرکز مالکیت بر مدیریت سود در شرکتهای با مالکیت خصوصی، کمتر از شرکتهای با مالکیت دولتی است. مک لانگ چاین (۲۰۰۶) به بررسی رابطه بین میزان دقت و بیطرفانه بودن سودهای پیش بینی شده و ساختار مالکیت شرکتهای تایوانی پرداختند و متوجه شدند که: ۱- ساختار مالکیت متمرکز باعث افزایش تضاد نمایندگی بین مالکان دارای قدرت کنترل و سرمایه گذاران خارج از شرکت (سرمایه گذاران اقلیت) می شود، ۲- هرچقدر واگرایی بین سرمایه گذاران بیرونی و سرمایه گذاران دارای قدرت کنترل، بیشتر باشد، شرکت اطلاعات پیش بینی شده غیر دقیق و خوشبینانه تری منتشر می کند، ۳- شرکتهایی که در آنها تضاد منافع شدید است، بارها اقدام به تجدیدنظر در رقم سود پیش بینی شده خود می کنند تا میزان خطا یا عدم بی طرفانه بودن، یا اثر دستکاری در اقلام تعهدی (از طریق اقلام تعهدی اختیاری) موجود در این ارقام را کاهش دهند تا این ارقام پیش بینی شده با ارقام واقعی بیش از ۲۰٪ اختلاف نداشته باشند. چوین و لین (۲۰۰۵) به مقایسه ساختار مالکیت در شرکتهای چینی و تایوانی و بررسی این مطلب پرداختند که آیا عملکرد این شرکتهای تحت تأثیر ساختار مالکیت آنها قرار دارد یا خیر. نتایج تحقیق آنها نشان داد که: ۱- مالکیت دولتی و تمرکز مالکیت در شرکتهای چینی بیشتر از شرکتهای تایوانی است. در ضمن سهام در دست مؤسسات خصوصی در کشور چین کمتر از تایوان می باشد، ۲- عملکرد عملیاتی شرکتهای چینی با تمرکز مالکیت دولتی، رابطه معکوس دارد و با تمرکز مالکیت خصوصی (مؤسسات) رابطه مستقیم دارد، ۳- بین تمرکز مالکیت و عملکرد شرکتهای در کشور تایوان رابطه مستقیم وجود دارد. آکیمووا و شوادیار (۲۰۰۴) با توزیع پرسشنامه بین ۲۰۲ شرکت بزرگ در کشور اکراین در طی دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۰ به بررسی تأثیر ساختار مالکیت (شامل دولتی، مدیران، کارکنان، سرمایه گذاران بومی، سرمایه

گذاران خارجی، شرکتهای هلدینگ) بر عملکرد (میزان فروش / تعداد پرسنل) شرکتهای پرداختند. نتایج تحقیق ایشان نشان داد که نوع مالکیت بر عملکرد شرکتهای تاثیر گذار است. در ایران تحقیقات انگشت شماری در این زمینه انجام شده است، برای نمونه رنجبر درگاه (۱۳۸۴) به بررسی اثر نوع مالکیت بر عملکرد شرکتهای (تجربه خصوصی سازی در ایران) پرداخت. او با استفاده از اطلاعات مالی مربوط به ۱۸ شرکت (۸ شرکت واگذار شده به بخش خصوصی و ۱۰ شرکت واگذار شده به بخش نیمه دولتی) که طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹ واگذار گردیده اند، عملکرد سه سال قبل و بعد از واگذاری شرکتهای دو گروه را مورد بررسی قرار داد. نتایج این تحقیق نشان می دهد اگرچه عملکرد شرکتهای بعد از واگذاری بهبود یافته است اما از نظر آماری تفاوت معنی داری بین عملکرد شرکتهای قبل و بعد از واگذاری مشاهده نمی شود. همچنین بین عملکرد شرکتهای واگذار شده به بخشهای خصوصی و عمومی در دوره بعد از واگذاری تفاوت معنی داری وجود ندارد. تقوی و احدی سرکانی (۱۳۸۶) به بررسی روابط متقابل رشد اقتصادی یا ساختار مالی و ساختار مالکیت (دولتی و غیر دولتی) شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج تحقیق آنها نشان می دهد شرکتهای با افزایش تامین مالی از طریق ایجاد بدهی، نتوانسته اند نقش موثری در رشد اقتصادی ایفا کنند. این نتایج مبین اهمیت تامین مالی شرکتهای از طریق افزایش سرمایه و نقش موثر آن در فرآیند توسعه است. بعلاوه، رابطه معنی داری بین ساختار مالکیت و رشد اقتصادی مشاهده نشد. در تحقیق جالب دیگری که توسط مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است^۳، نسبت بازده سرمایه ۷۴ شرکت فعال بورسی و ساختار مالکیت آنها طی سالهای ۱۳۷۲ الی ۱۳۷۴ مورد همسنجی قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می دهد بجز دو شرکت اتمسفر و گیلان پاکت (که دارای بازدهی سرمایه بسیار پایین و سهامداران عمده بخش خصوصی هستند) مابقی ۷۲ شرکت مورد بررسی، به طور عمده در مالکیت شبکه بانکی کشور و شرکتهای سرمایه گذاری وابسته به آنها، بنیاد مستضعفان و جانبازان، سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی، سازمان تامین اجتماعی و سایر نهادهای دولتی قرار داشته اند و اغلب از بازده سرمایه بالایی برخوردار بوده اند. ۴۱ درصد اعضای این گروه بازدهی بالاتر از ۲۰ درصد دارند. بررسی ارتباط شاخص بازده سرمایه با نوع مالکیت شرکتهای نشان می دهد که گروه شرکتهای سرمایه گذاری (صنعت واسطه گریهای مالی) با بالاترین متوسط بازده سرمایه - بین ۲۳ تا ۴۲ درصد - به طور عمده در مالکیت شبکه بانکی کشور قرار داشته اند. در مرتبه دوم، گروه شرکتهای فعال در صنایع

ساخت رادیو و تلویزیون (با متوسط ROI بین ۲۰/۶۴ تا ۳۹/۸ درصد) در مالکیت شرکت گسترش واحدهای تولیدی، بنیاد مستضعفان، سرمایه گذاری ملی ایران و سازمان تامین اجتماعی بوده است. در مرتبه سوم، گروه شرکت‌های فعال در صنایع غذایی (با متوسط ROI بین ۲۵/۸ تا ۲۹/۹۶ درصد) در اختیار شرکت‌های سرمایه گذاری وابسته به بانکها، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان و سازمان مالی گسترش واحدهای تولیدی بوده است. با توجه به تحقیقات مذکور فرضیه های ششم و هفتم تحقیق بصورت زیر مطرح شده است:

فرضیه ششم: ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار موثر است.

فرضیه هفتم: در آن دسته از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس که ساختار مالکیت آنها خصوصی تر است، کیفیت اطلاعات مالی بیشتر است.

تمرکز مالکیت^۴: تمرکز مالکیت به حالتی اطلاق می شود که میزان در خور ملاحظه ای از سهام شرکت به سهامداران عمده (اکثریت) تعلق داشته باشد و نشان می دهد چند درصد سهام شرکت در دست عده محدودی قرار دارد. نتایج تحقیق مهدوی و میدری (۱۳۸۴) حاکی از آن است که تمرکز مالکیت در بازار اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۸۴ بسیار بالا بوده است. سهم ۵ سهامدار عمده در شرکت‌های فعال در بازار بورس اوراق بهادار تهران بطور متوسط ۷۴٪، و سهم ۱۰ سهامدار بزرگ بیش از ۷۹٪، و سهم ۲۰ سهامدار بطور متوسط ۸۱/۹٪ است. براساس شاخص هر فیندال، صنعت ساخت ماشین آلات و براساس سه شاخص دیگر (سهم ۵، ۱۰ و ۲۰ سهامدار عمده) صنعت استخراج معدن، دارای بیشترین مقدار تمرکز مالکیت بودند. مهدوی و میدری (۱۳۸۴) معتقدند مقایسه شاخص های تمرکز مالکیت در بازار ایران و پنج کشور آمریکا، ژاپن، آلمان، چین، و چک نشان می دهد که بازار سهام ایران دارای ساختار مالکیتی بسیار متمرکز است. بعلاوه در ایران نیز همچون کشور چک، تمرکز بیشتر مالکیت با کارایی بیشتر همراه بوده است. بعبارت دیگر کوچک کردن مالکیت تاثیر منفی بر کارایی دارد و بر همین اساس این دو محقق نتیجه گرفته اند که با توجه به فقدان نظام حمایتی از سهامداران اقلیت^۵، اجرای طرح واگذاری مالکیت شرکت‌های دولتی به عموم (سهام عدالت) می تواند به کاهش تولید ناخالص داخلی و حتی توزیع نا عادلانه درآمد منجر شود. بوزک و بوزک (۲۰۰۷) با بررسی ۲۴۴ شرکت پذیرفته شده در بورس کانادا (TSX) به این نتیجه رسیدند که بین تمرکز مالکیت و عملکرد راهبردی شرکت رابطه عکس وجود دارد. کلارک و وجسیک (۲۰۰۵) با بررسی اطلاعات شرکت‌های آلمانی متوجه

شدند بین تمرکز مالکیت در این شرکتها و بازده سهام رابطه معکوس وجود دارد. البته نتیجه این دو تحقیق کاملاً عکس نتایج تحقیق انجام شده توسط ماه آورپور در ایران است. ماه آورپور با نمونه ای ۵۸ تایی به بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۳ پرداخت. او به این نتیجه رسید که هرچه تمرکز مالکیت بیشتر باشد، کنترل بیشتری بر مدیران اعمال شده و موجب بهبود عملکرد شرکتها می شود و ارتباط بین تمرکز مالکیت و معیار بازدهی بستگی به نوع مالکین و عوامل موثر بر بازدهی دارد. پولسیری (۲۰۰۵) بحث اثر احتمالی تمرکز مالکیت را بر عدم سلامت مالی شرکتها مطرح کرده است. بدنبال این بحث، دینگ، هوآ و جونسکی (۲۰۰۴) با بررسی ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس پکن متوجه شدند ارتباطی بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود در این شرکتها وجود ندارد. در حالی که در شرکتهای دولتی ارتباط قوی و U شکلی بین این دو متغیر (تمرکز مالکیت و مدیریت سود) دیده می شود. درضمن، شرکتهای بزرگ دولتی تمایل کمتری به مدیریت سود از خود نشان می دهند. با توجه به تحقیق دینگ و همکارانش (۲۰۰۴) به ظرافت می توان حدس زد در ارتباط احتمالی بین متغیر تمرکز مالکیت و کیفیت اطلاعات نوعی اثر تعدیل کنندگی از سوی متغیر ساختار مالکیت (از حیث میزان دولتی و خصوصی بودن) وجود دارد. که این موضوع نیز در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به تحقیقات مذکور فرضیه اول تحقیق بصورت زیر مطرح شده است:

فرضیه هشتم: تمرکز مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار موثر است.

فرضیه نهم: در آن دسته از شرکتهای پذیرفته شده در بورس که تمرکز مالکیت بیشتر است، کیفیت اطلاعات مالی کمتر است.

روش تحقیق

در جمع آوری اطلاعات این تحقیق از سه روش کتابخانه ای، اسناد کاوی، و پرسشنامه استفاده شده است. اطلاعات مربوط به فرهنگ سازمانی از طریق پرسشنامه و اطلاعات مربوط به متغیر کیفیت اطلاعات مالی به روش اسناد کاوی و از روی داده های موجود در صورتهای مالی، یادداشتهای همراه، گزارش هیات مدیره، صورتجلسات مجامع و گزارش

حسابرس وبازرس قانونی شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران استخراج شده اند. درخصوص ادبیات و پیشینه تحقیق نیز از روش کتابخانه ای و جستجوی اینترنتی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های فعال بورسی در طی ۱۰ سال، از سال ۱۳۷۷ الی ۱۳۸۶ هستند که صورت‌های مالی حسابرسی شده و یادداشتهای همراه آنها در دوره زمانی مورد بررسی، در دسترس است. شرکت‌های حائز ویژگی های مذکور، شامل ۱۸۲ شرکت بود. نمونه تحقیق نیز منطبق با کل جامعه آماری انتخاب شد تا اعتبار تحقیق افزایش یابد. از این تعداد در نهایت ۱۰۵ شرکت به پرسشنامه های تحقیق پاسخ دادند و در تحلیل های آماری تحقیق لحاظ شده اند. دلیل انتخاب بورس به عنوان جامعه آماری، توجه بیشتر سرمایه گذاران و تحلیل گران مالی به بورس اوراق بهادار و همچنین در دسترس بودن اطلاعات حسابداری آنهاست که امکان انجام تحقیق را فراهم می آورد.

روش سنجش متغیر فرهنگ سازمانی

برای این منظور از پرسشنامه فرهنگی هوفستد استفاده شده است که توسط مدیران مالی شرکت‌های نمونه تکمیل شد. دلیل انتخاب این پرسشنامه نیز این بوده است که هرچند مدلها و به تبع آن پرسشنامه های مختلف متعددی برای فرهنگ سازمانی ارائه شده است اما همگی این مدلها به فرآیند تولید و فرهنگ سازمانی متمرکز روی پرسنل خط تولید شرکت توجه دارند، حال اینکه تاکید این تحقیق بر روی سیستم اطلاعات مالی (ونه فرآیند تولید) شرکت است. از بین مدل‌های مذکور، تنها مدل هوفستد است که مناسب ترین ابعاد فرهنگی را برای مقصود موردنظر این تحقیق در بر دارد. از سوی دیگر مدل فرهنگی هوفستد تنها مدلی است که توسط گری (۱۹۸۸) با ظرافت و دقت با ارزشهای حسابداری مرتبط با اطلاعات و گزارشات مالی، ارتباط داده شده است و این کار برای دیگر مدل‌های فرهنگ سازمانی صورت نگرفته است. شاید این موضوع، عمده ترین دلیلی باشد که محققان برای بررسی سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری ترجیح می دهند از مدل هوفستد در تحقیقات فرهنگی خود استفاده نمایند (برای نمونه می توان تحقیقات انجام شده توسط دیانتی، ۱۳۸۲؛ رضازاده، ۱۳۸۱؛ سپاسی، ۱۳۸۴؛ هاشمی گوهر، ۱۳۸۷ اشاره کرد). از سوی دیگر، صحت ارتباط تئوریک مطرح شده توسط گری (۱۹۸۸) توسط محققان بسیاری تاکنون مورد آزمون قرار گرفته و به تأیید رسیده است.

روش سنجش متغیر ساختار مالکیت

برای سنجش ساختار مالکیت چون تاکید این تحقیق روی بررسی اثر ساختار مالکیت شرکتها از حیث میزان خصوصی تر بودن آنها بر روی کیفیت اطلاعات مالی است و چنین تقسیم بندی از لحاظ ساختار و ترکیب مالکیت در فایل‌های اطلاعاتی منتشره توسط سازمان بورس وجود ندارد، ابتدا اطلاعات خام ترکیب سهامداران هر شرکت از روی یادداشتهای همراه صورتهای مالی مشخص شد. بدلیل ناقص بودن اطلاعات موجود در یادداشتهای همراه شرکتها، از آنجا که اطلاعات مربوط به ریز سهامداران شرکتهای بورسی از نظر سازمان بورس اوراق بهادار در ایران محرمانه تلقی می شود و به هیچ عنوان همکاری لازم برای ارائه این اطلاعات صورت نمی گیرد، لذا برای رفع این محدودیت، با انجام جستجوی اینترنتی و بررسی ترکیب سهامداران حاضر در مجامع برای تمامی ۱۰۵ شرکت نمونه تک به تک فهرستی از سهامداران و درصد سهامشان استخراج شد. سپس برای سهامداران حقوقی، مجدد سهامداران و درصد سهام آنها تعیین گردید و با ترسیم درختواره ای از سهامداران، این فرآیند تا آنجا ادامه یافت که مشخص شد مالک نهایی هر یک از این ۱۰۵ شرکت با توجه به دسته بندی تعیین شده در این تحقیق، خصوصی است یا دولتی. برای این منظور با توجه به مواد ۲، ۳ و ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۸/۲۰، شرکتهای دولتی، بانکها و بیمه های دولتی، موسسه یا نهاد عمومی غیر دولتی، مشخص گردید و همراه با گروهی از شرکتها که در این تحقیق اصطلاحاً به آنها شرکتهای شبه دولتی گفته می شود در یک دسته تحت عنوان شرکتهای دولتی قرار گرفتند. سپس شرکتهای با مالکیت خانوادگی، کارکنان شرکت، صندوقهای بازنشستگی و یا اشخاص حقیقی در دسته دوم با عنوان شرکتهای با مالکیت خصوصی قرار داده شدند. در مرحله بعد، درصد سهام متعلق به هر یک از این دو دسته مالکیت در هر شرکت مشخص شد و بدین ترتیب میزان خصوصی تر بودن هر شرکت (که مدنظر این تحقیق است) به درصد مشخص گردید.

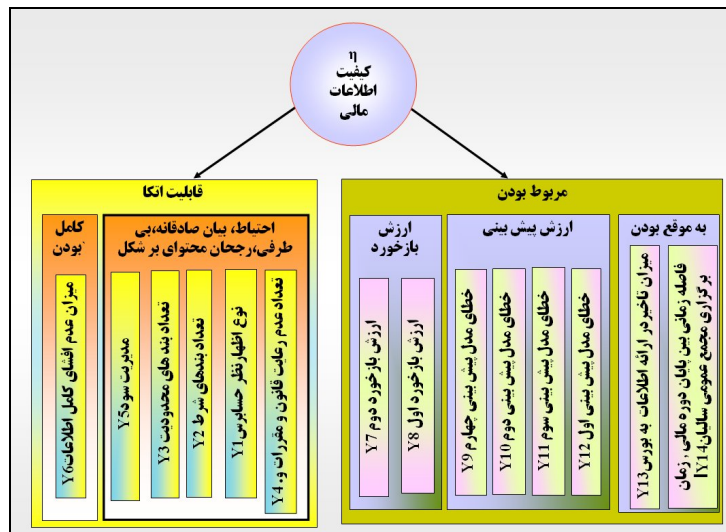
روش سنجش متغیر تمرکز مالکیت

برای محاسبه **تمرکز مالکیت** با توجه به اطلاعات موجود در یادداشتهای همراه صورتهای مالی از دو پارامتر: ۱- درصد سهام اولین سهامدار عمده شرکت و ۲- درصد سهام در دست مالک نهایی شرکت، استفاده شد. دلیل استفاده از پارامتر درصد سهام در دست مالک

نهایی شرکت، این بوده است که به دلیل مالکیت ضربدردی موجود در شرکت‌های بورسی با مشخص کردن مالک نهایی سهامدارن حقیقی هر شرکت بعضاً دیده می‌شد که در نهایت یک شرکت حقیقی بطور مستقیم و غیر مستقیم سهم قابل ملاحظه‌ای از یک شرکت را در تملک خود دارد. از اینرو برای اندازه‌گیری دقیق‌تر متغیر تمرکز مالکیت از پارامتر درصد سهام در دست مالک نهایی شرکت نیز استفاده شده است.

روش سنجش (مقیاسها و شاخصهای اندازه‌گیری) متغیر کیفیت اطلاعات مالی شرکتها

در این قسمت روش سنجش کیفیت اطلاعات مالی با توجه به دو ویژگی مربوط بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات از طریق پارامترهای اولیه مربوطه توضیح داده شده است. شکل ۱- بطور خلاصه نحوه کمی کردن متغیر کیفیت اطلاعات مالی از طریق متغیرهای مشاهده پذیر Y1 الی Y14 را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که در این تحقیق آن ویژگیهای کیفی که بیشترین فراوانی را در استانداردها و بیانیه‌های منتشره در خصوص کیفیت اطلاعات مالی و اجزای آن، از سوی نهادهای حرفه‌ای کشورهای مختلف بیان شده است، در مدل لحاظ شده‌اند.



شکل ۱- ویژگیهای کیفی اطلاعات مالی و نحوه کمی کردن آنها در این تحقیق

مربوط بودن

به موقع بودن

کاملاً بدیهی است که اطلاعات اگر به موقع ارائه نشوند مربوط بودن خود را از دست خواهند داد. برای سنجش میزان به موقع بودن اطلاعات نیز از پارامتر میزان تاخیر در ارائه اطلاعات شرکت به سازمان بورس (Y13) و میزان فاصله زمانی بین تاریخ پایان دوره مالی شرکتها و زمان برگزاری مجمع عمومی سالانه آنها (Y14) استفاده شده است.

ارزش پیش بینی

تحقیقات قبلی نشان می دهد که قدرت پیش بینی سود بر دامنه قیمت‌های پیشنهادی برای خرید و فروش سهام اثر می گذارد (Affleck-Graves, 1983; Callahan, & Chipalkatti, 2002; Imhoff, 2003; Pincus, 1983). از اینرو در این تحقیق برای اندازه گیری ارزش پیش بینی کنندگی، میزان توانایی سود جهت پیش بینی سود و جریانهای نقد آتی مدنظر قرار می گیرد. براین اینکار قدرمطلق اشتباهات پیش بینی ۴ مدل زیر به عنوان معیاری معکوس جهت اندازه گیری قدرت پیش بینی سودهای جاری استفاده می شود (Y9 الی Y12).

۱- مدل رگرسیون سودهای آتی روی سودهای جاری (مدل ۱)

$$IBE_{t+1} = \lambda_0 + \lambda_1 IBE_t + e_t$$

۲- مدل رگرسیون سودهای آتی روی اجزای سودهای جاری (مدل ۲)

$$IBE_{t+1} = \delta_0 + \delta_1 OCF_t + \delta_2 TA_t + \delta_3 SI_t + e_t$$

۳- مدل رگرسیون جریانهای نقد آتی روی سودهای جاری (مدل ۳)

$$OCF_{t+1} = \alpha_0 + \alpha_1 IBE_t + \omega_t$$

۴- مدل رگرسیون جریانهای نقد آتی روی اجزای سودهای جاری (مدل ۴)

$$OCF_{t+1} = \pi_0 + \pi_1 OCF_t + \pi_2 TA_t + \pi_3 SI_t + \omega_t$$

IBE = سود خالص بعد از کسر مالیات.

e_t = خطای مدل

OCF_t = جریانهای نقد عملیاتی شرکت i برای سال t .

$TA_t =$ جمع کل ارقام تعهدی شرکت برای سال t (که برابر است با تغییر در داراییهای جاری - تغییر در بدهیهای جاری - تغییر در مانده وجه نقد - تغییر در حصة جاری بدهیهای بلند مدت - هزینه استهلاک)

$SI_t =$ ارقام غیر مترقبه و غیر مستمر برای سال t

برای اینکه اندازه شرکتهای تأثیر روی نتایج تحقیق نداشته باشد، تمامی این متغیرها برحسب میانگین داراییهای شرکت استاندارد شده است.

ارزش تایید کنندگی (بازخورد)

برای سنجش میزان ارزش بازخورد اطلاعات مالی ($Y7$ و $Y8$) از تفاوت بین قدر مطلق اشتباهات در برآورد سود سال بعد، قبل و بعد از لحاظ کردن سود سال جاری به شرح فرمول زیر، استفاده شده است.

$$FV_t = [|PE_B| - |PE_A|]$$

$$FV_t = \text{ارزش بازخورد سود برای سال } t$$

$$|PE_B| = \text{اشتباه پیش بینی سود سالهای بعد (یکبار با استفاده از مدل ۱ و یکبار با}$$

استفاده از مدل ۲)، بدون در نظر گرفتن سود سال جاری

$$|PE_A| = \text{اشتباه پیش بینی سود سالهای بعد (یکبار با استفاده از مدل ۱ و یکبار با}$$

استفاده از مدل ۲)، با در نظر گرفتن سود سال جاری

قابل اتکا بودن

احتیاط، بیان صادقانه، بی طرفی رجحان محتوای بر شکل

اظهار نظر حسابرسان معیاری است برای تشخیص میزان قابلیت اتکاء صورتهای مالی یک شرکت. در بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی منتشره توسط کمیته مسؤل تدوین بیانیه های مفاهیم بنیادی حسابرسی انجمن حسابداری آمریکا، بیان شده است: "آنچه حسابرسی به فرآیند گزارشگری مالی می افزاید، مربوط به «کیفیت» اطلاعات گزارش شده و نیاز استفاده کنندگان به ارزیابی کیفیت اطلاعات قبل از استفاده از آنهاست". از اینرو در این تحقیق از متغیرهای نوع اظهار نظر حسابرس (مقبول، مشروط، مردود)، تعداد بندهای شرط و نیز تعداد

بندهای محدودیت گزارش حسابرس، تعداد موارد عدم رعایت قانون و مقررات و استانداردهای حسابداری و آیین نامه های سازمان بورس، و مدیریت سود بعنوان معیارهایی برای سنجش میزان قابل اتکا بودن اطلاعات مالی استفاده شده است (شورورزی، مدرس و نیکومرام ۱۳۸۷؛ Barua, 2006). اطلاعات مربوط به این پارامترها (Y1 الی Y4) از گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکتها استخراج شد و برای سنجش پارامتر مدیریت سود (Y5) از داده های تحقیق انجام شده توسط امیرخانی و اعتمادی (۱۳۸۸) استفاده گردید که در تحقیق خود کل شرکتهای پذیرفته شده در بورس را مورد بررسی قرار داده اند و از مدل رگرسیون مقطعی^۷ تعدیل شده جونز به وسیله کوتاری، لئون و واسلی (۲۰۰۵) استفاده نموده اند.

کامل بودن

از آنجا که رابطه معکوسی بین سطوح محتوایی (میزان افشای اطلاعات) گزارشات مالی و میزان پنهانکاری حسابداری وجود دارد. یکی از متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق برای سنجش قابلیت اتکای اطلاعات میزان افشا اطلاعات بوده است. با توجه به وضعیت اطلاعاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس و عدم دسترسی به اطلاعات و سند و مدارک موجود در شرکتها، تنها منبع موجود و قابل استناد و موثق، گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکتهاست که می توان با بررسی بندهای آن موارد عدم افشای با اهمیت در گزارشات مالی شرکتها را متوجه شد. از اینرو در این تحقیق از پارامتر تعداد موارد عدم افشای اطلاعات (Y6) که داده های آن از گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت استخراج شده، بعنوان معیاری معکوس برای سنجش میزان کامل بودن اطلاعات شرکتها استفاده گردیده است. لازم به ذکر است که در تحقیق حاضر جهت داده پردازی از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. مدل معادلات ساختاری^۸ یک روش چند متغیره با هدف نشان دادن علّیت و بر اساس تحلیل مسیر با متغیرهای مکنون است که اخیرا در علوم رفتاری و اجتماعی برای داده پردازی های چند متغیره کاربرد فراوان یافته است (Ringo, 2002 & McDonald). رویکردهای مختلفی در مورد مدل معادلات ساختاری وجود دارد که یکی از پر کاربردترین آنها استفاده از روش شناسی مبتنی بر واریانس به روش حداقل مربعات جزئی یا همان مدل های نرم است که در مقابل مدل های ساختاری

کوواریانس محور از انعطاف پذیری بالاتری برخوردار هستند (Wakeling & Morris, 2005). از زمان ارائه مدل معادلات ساختاری مبتنی بر کوواریانس به وسیله جارسکوگ در ۱۹۷۳، این روش به عنوان روشی قابل قبول در بین محققان مختلف مطرح شده است. با وجود محبوبیت لیزرل برای اجرای مدل معادلات ساختاری سایر نرم افزار هایی که به حجم نمونه مانند لیزرل وابسته نیستند؛ امروزه مورد توجه محققان قرار گرفته است. یکی از جدیدترین رویکردهای مدل معادلات ساختاری روش حداقل مربعات جزئی است. این روش مدل معادله ساختاری واریانس محور، زمانی که برای هر سازه تعداد متغیر زیاد و یا حجم نمونه کم است، بسیار مناسب می باشد. اجرای این تکنیک نرم افزار های خاص خود را دارد که در این بین PLS Graph و SPLS بیشتر مورد استفاده هستند. با توجه به دسترسی محقق به نسخه 2 SPLS از این نرم افزار برای تدوین مدل معادله ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. که نتایج آن به شرح زیر می باشد:

درخصوص فرضیه اول که بیان می دارد فرهنگ سازمانی بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار موثر است. بر اساس جدول ۱، اثر فرهنگ سازمانی بر کیفیت اطلاعات مالی در سطح P یک درصد (با اطمینان ۰/۹۹) معنی دار است و نشان می دهد که فرهنگ سازمانی به تنهایی و در قالب یک مدل منفرد ۲۲ درصد از تغییرات کیفیت مالی را پیش بینی نموده و تخمین می زند. در مدل معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی این مقدار قابل توجه است، زیرا که این اثر ناشی از تنها یک سازه با چهار بعد بوده است. درضمن چون ضریب مسیر، رقمی منفی (۰/۴۷۰-) و معنی دار است لذا می توان استنباط نمود که فرهنگ سازمانی حاکم بر شرکت‌های بورسی مورد مطالعه، اثری منفی بر کیفیت اطلاعات مالی آنها داشته است.

جدول ۱- ضرایب مسیر استاندارد شده اثرات مستقیم متغیر های مدل پژوهش

مسیر	ضریب مسیر	t-value	p-level	مقدار R2
فرهنگ سازمانی ← کیفیت اطلاعات مالی	-۰/۴۷۰	-۱/۸۱	۰/۰۵	۰/۲۲

Ns: بی معنی

در خصوص فرضیه دوم که بیان می دارد در آن دسته از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس که فاصله قدرت بیشتر است، کیفیت اطلاعات مالی کمتر است. بر اساس جدول ۲ و با توجه

به ضریب مثبت بین دو سازه و به لحاظ اینکه اثر معکوس بین آنها دیده نشد، لذا این فرضیه با اطمینان ۹۵٪ رد می شود.

در خصوص فرضیه سوم که بیان می دارد در آن دسته از شرکتهای پذیرفته شده در بورس که بالاتر کیفی بیشتر است، کیفیت اطلاعات مالی کمتر است. بر اساس جدول ۲ و با توجه به ضریب منفی بین دو سازه و به دلیل اینکه اثر معکوس بین آنها دیده می شود، این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵٪ پذیرفته می شود.

در خصوص فرضیه چهارم که بیان می دارد در آن دسته از شرکتهای پذیرفته شده در بورس که فردگرایی بیشتر است، کیفیت اطلاعات مالی کمتر است. بر اساس جدول ۲ و با توجه به ضریب منفی بین دو سازه و به دلیل اینکه اثر معکوس بین آنها دیده می شود، این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵٪ پذیرفته می شود.

در خصوص فرضیه پنجم که بیان می دارد در آن دسته از شرکتهای پذیرفته شده در بورس که مردمنشی بیشتر است، کیفیت اطلاعات مالی کمتر است. بر اساس جدول ۲ و با توجه به ضریب مثبت بین دو سازه و به لحاظ اینکه اثر معکوس بین آنها دیده نشد، لذا این فرضیه با اطمینان ۹۵٪ رد می شود.

جدول ۲- ضرایب مسیر استاندارد شده اثرات مستقیم متغیرهای فرهنگی بر

کیفیت اطلاعات مالی

p-level	t-value	ضریب مسیر	مسیر
۰/۰۵	۲/۷۱	۰/۱۵۴	فاصله قدرت ← کیفیت اطلاعات مالی
۰/۰۵	-۲/۰۵	-۰/۳۲۶	بالاتر کیفی ← کیفیت اطلاعات مالی
۰/۰۵	-۲/۹۵	-۰/۲۴۷	فردگرایی ← کیفیت اطلاعات مالی
۰/۰۵	-۲/۹۸	-۰/۱۸۸	مردمنشی ← کیفیت اطلاعات مالی

در خصوص فرضیه ششم که بیان می دارد ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار موثر است. مشخص شد اثر ساختار مالکیت بر کیفیت مالی در سطح P یک درصد (با اطمینان ۹۹٪) معنی دار و دارای تأثیری منفی بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس است. بنحوی که میزان تمرکز مالکیت به تنهایی و در قالب یک مدل منفرد ۱۸ درصد از تغییرات کیفیت مالی را پیش بینی

نموده و تخمین می‌زند (جدول ۳). در این مدل مقدار واریانس تبیین شده برابر با ۱۸ درصد است، به این معنا که مقدار منفرد تجزیه ماتریس $X'Y$ برای برآورد بار عاملی و پارامترهای مربوطه چیزی در حدود ۱۸ درصد از واریانس متغیر وابسته کیفیت اطلاعات مالی را توسط ساختار مالکیت تخمین می‌زند. بر این اساس با اطمینان ۹۹٪ تایید می‌شود که ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس موثر است. به عبارت دیگر ساختار مالکیت عامل مهمی در کیفیت اطلاعات مالی به شمار می‌آید.

جدول ۳- ضرایب مسیر استاندارد شده اثرات مستقیم متغیرهای مدل پژوهش

مسیر	ضریب مسیر	t-value	p-level	مقدار R2
ساختار مالکیت ← کیفیت اطلاعات مالی	-۰/۴۳۲	-۲/۹۸	۰/۰۱	۰/۱۸

درخصوص فرضیه هشتم که بیان می‌دارد تمرکز مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار موثر است. نتایج تحلیل آماری نشان داد که اثر میزان تمرکز مالکیت بر کیفیت مالی در سطح P یک درصد (با اطمینان ۰/۹۹) معنی دار و دارای تاثیری مثبت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس است و نشان می‌دهد که میزان تمرکز مالکیت به تنهایی و در قالب یک مدل منفرد ۲۴ درصد از تغییرات کیفیت مالی را پیش بینی نموده و تخمین می‌زند (جدول ۴)

جدول ۴- ضرایب مسیر استاندارد شده اثرات مستقیم متغیرهای مدل پژوهش

مسیر	ضریب مسیر	t-value	p-level	مقدار R2
تمرکز مالکیت ← کیفیت اطلاعات مالی	۰/۴۹۱	۲/۹۷	۰/۰۱	۰/۲۴

برای آزمون فرضیه‌های هفتم و نهم از بهترین مدل پیشنهادی نرم افزار درخصوص روابط بین سازه‌های این تحقیق (بدون در نظر گرفتن اثرات تعدیل کنندگی متغیرها) است. عبارت دیگر، متغیرها به تفکیک فرضیه‌های تحقیق و با در نظر گرفتن اثر جمعی یا اثر کل

سازه‌ها مورد آزمون واقع شده‌اند و فقط به اثر مستقیم آنها اکتفا نشده و اثرات غیر مستقیم آنها نیز در یک مدل علی ارتباطی لحاظ شده است.

در خصوص فرضیه هفتم که بیان می‌دارد در آن دسته از شرکتهای پذیرفته شده در بورس که ساختار مالکیت آنها خصوصی تر است، کیفیت اطلاعات مالی بیشتر است. مطابق جدول ۵، اثر ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی مثبت است. به عبارت دیگر با خصوصی تر شدن ساختار مالکیت، کیفیت اطلاعات مالی در بورس ایران افزایش یافته و فرضیه هفتم تحقیق که هر چه ساختار مالکیت خصوصی تر باشد، کیفیت اطلاعات مالی بیشتر است با اطمینان ۰/۹۹ قبول می‌شود. نکته مهم در این بخش پایین بودن اثر کل متغیر ساختار مالکیت است، هرچند که مقدار اثر مستقیم آن قابل توجه است لذا می‌توان دریافت که اثرات غیر مستقیم این سازه بر روی سازه‌های دیگر در مدل اثر مستقیم آن را کمتر نموده‌اند و به عبارت دیگر می‌توان این سازه را یک سازه تعدیل کننده برای سایر سازه‌های مدل در نظر گرفت.

در خصوص فرضیه نهم که بیان می‌دارد در آن دسته از شرکتهای پذیرفته شده در بورس که تمرکز مالکیت بیشتر است، کیفیت اطلاعات مالی کمتر است. مطابق جدول ۵، از آنجا که ضریب مسیر نشان دهنده اثر تمرکز مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی رقمی مثبت (۰/۴۱۷) و معنی دار است. بنابراین فرضیه هشتم با اطمینان ۰/۹۹ رد می‌شود.

در ضمن، همانطور که در جدول ۵ مشخص است مولفه تمرکز دارای بیشترین اثر علی بر کیفیت اطلاعات مالی است و ساختار مالکیت در اینجا رتبه آخر را در بین سه عامل سازمانی به خود اختصاص داده است. ساختار مالکیت دارای دو اثر غیر مستقیم از طریق سازه‌های فرهنگ سازمانی و تمرکز است که در نهایت با در نظر گرفتن مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم که تحت عنوان اثر کل نامیده می‌شود این سازه رتبه سوم را در بین عوامل سازمانی به خود اختصاص داده است. لذا آنچه در بورس ایران کیفیت اطلاعات مالی را در بین شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار از بین عوامل سازمانی تبیین می‌نماید سازه تمرکز مالکیت است..

جدول ۵- ضرایب مسیر استاندارد شده اثرات مستقیم و کل متغیر های مدل پژوهش - به ترتیب بیشترین اثر

مقدار R ²	اثر کل	اثر مستقیم	مسیر
۰/۳۴	۰/۴۱۷	۰/۴۱۷	تمرکز مالکیت ← کیفیت اطلاعات مالی
	-۰/۰۰۲	-۰/۱۳۵	فرهنگ سازمانی ← کیفیت اطلاعات مالی
	۰/۰۰۱	۰/۱۳۳	ساختار مالکیت ← کیفیت اطلاعات مالی

سایر یافته های تحقیق- اثر تعدیل کنندگی ساختار مالکیت بر فرهنگ سازمانی و تمرکز مالکیت

یکی از اهداف تحقیق بررسی این موضوع بود که اثر تعدیل کنندگی سازه ها نیز مورد بررسی قرار گیرد. یکی از قابلیت های PLS این است که می تواند اثرات تعدیل گر و یا همزمانی را مورد بررسی قرار دهد. این اثرات در قالب سازه هایی جدید که حاصل از برهمکنش سازه های مورد بررسی هستند تشکیل می شود برای بررسی این وضعیت در مدل از تکنیک Moderating effect استفاده شده است.

بر این اساس مشاهده شد که مطابق ارقام جدول ۶ ساختار مالکیت بر فرهنگ سازمانی اثری معادل ۰/۴۱۲ بر کیفیت اطلاعات مالی دارد در حالیکه مقدار اثر فرهنگ سازمانی قبل از وارد شدن اثر آن بر رابطه بین آن و کیفیت اطلاعات مالی کمتر از این مقدار و برابر ۰/۱۳۵ بود. همچنین مشاهده می شود که ساختار مالکیت اثر تعدیل کننده بر رابطه بین تمرکز مالکیت و کیفیت اطلاعات مالی دارد. به عبارت دیگر بررسی اثر ساختار بر تمرکز مالکیت اثری معادل ۰/۶۳۷ بر کیفیت اطلاعات مالی دارد در حالیکه مقدار اثر تمرکز قبل از وارد شدن اثر آن بر رابطه بین آن و کیفیت اطلاعات مالی کمتر از این مقدار و برابر ۰/۴۱۸ بود. لذا می توان نتیجه گرفت که مدل نهایی تحقیق نشان دهنده تاثیر تعدیل گر سازه ساختار مالکیت بر فرهنگ سازمانی و تمرکز مالکیت است.

جدول ۶- ضرایب مسیر استاندارد شده اثرات مستقیم متغیر های مدل پژوهش

مقدار R ²	p-level	t-value	ضریب مسیر	مسیر
۰/۳۵	۰/۰۱	۲/۰۱	۰/۴۱۲	ساختار - فرهنگ ← کیفیت اطلاعات مالی
	۰/۰۱	۲/۲۵	۰/۶۳۷	ساختار - تمرکز ← کیفیت اطلاعات مالی

نتیجه گیری و پیشنهاد

تحلیل های آماری انجام شده نشان داد، الگوی بدست آمده در این تحقیق معنی دار بوده و تئوری پیشنهادی محقق مبنی بر اینکه عوامل سازمانی سازنده شخصیت حقوقی شرکتها نقش بسزایی در کیفیت اطلاعات مالی منتشره آنها دارند را تایید می نماید. بنحویکه ۳۴٪ تغییرات مربوط به کیفیت اطلاعات مالی را می توان به کمک پنج عامل مذکور تبیین نمود (جدول ۵). البته باید توجه داشت که محدودیتهایی نیز بر این تحقیق متصور بوده است از جمله اینکه جمع آوری اطلاعات مربوط به سه متغیر فرهنگ سازمانی، صلاحیت حرفه ای مدیران مالی و دیدگاه اخلاقی آنها بناچار از پرسشنامه استفاده شده است که محدودیت ذاتی پرسشنامه بر آنها وارد است. محدودیت دیگر این تحقیق، عدم همکاری سازمان بورس در ارائه اطلاعات مربوط به ریز سهامداران شرکتهای بورسی و محرمانه دانستن آنها بود که هرچند اطلاعات مربوط از طرق دیگر بدست آمد ولی اطلاعات بدست آمده محدود بوده و درصد سهام کلیه سهامداران شرکتهای مورد مطالعه را شامل نمی شود. شایان ذکر است که در این تحقیق تنها تاثیر ۵ عامل سازمانی بر کیفیت اطلاعات مالی مورد بررسی قرار گرفته است و اثر مابقی عوامل نظیر خرده فرهنگها، نقش سیستمهای اطلاعاتی و نظایر آن و نیز عوامل برون سازمانی بررسی نشده است که این موضوع نیز یکی دیگر از محدودیتهای تحقیق حاضر است. لازم به ذکر است که برای محاسبه روایی این تحقیق از روایی سازه یا عامل که یکی از پر کاربردترین روشهاست که توسط روش تحلیل عاملی تأییدی محاسبه می شود استفاده گردید. از آنجا که مقادیر t گزارش شده برای تمام ضرایب نشانگر ها و صفت های مکنون مورد مطالعه، بالاتر از مقدار ۲ است، نشان می دهد مدل های اندازه گیری مورد استفاده در پژوهش حاضر مناسب بوده و نشان از آن دارند که نشانگر های مورد استفاده برای اندازه گیری صفت های مکنون مورد مطالعه این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری تطابق قابل قبولی را دارند. جهت تعیین پایایی این تحقیق از روش پایایی مرکب استفاده شد که ضرایب آن برای سازه هایی که مقدار CR آنها بالاتر از مقدار ۰/۶ باشند، پایایی قابل قبولی را نشان می دهد و هر چه این مقدار به یک نزدیک تر باشد، پایایی آن بیشتر است. مقدار CR برای سازه های مورد مطالعه در این تحقیق تماماً بالای عدد ۲ بود که نشان می داد این سازه ها به بهترین شکل با سوالات سنجیده شده اند. لذا می توان نتایج حاصله از سوالات هر سازه را معتبر و قابل تحلیل دانست. زیرا اولاً آنچه را که محقق در

نظر داشته است دقیقاً سنجیده اند و ثانیاً برداشت ذهنی تمام پاسخگویان از آن یکی بوده است. نتایج نشان می دهد از بین عوامل مورد بررسی در این تحقیق، ساختار مالکیت عمدتاً نقش تعدیل کنندگی در شرکتهای مورد مطالعه را داشته است و با اثر تعدیل کنندگی که بر تمرکز مالکیت گذاشته باعث شده که عامل تمرکز مالکیت در بین عوامل مورد بررسی در این تحقیق بیشترین اثر را بر کیفیت اطلاعات بگذارد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه هرچه ساختار مالکیت شرکتهای خصوصی تر باشد کیفیت اطلاعات آنها بیشتر است (فرضیه تأیید شده شماره شش) بنابراین با افزایش تمرکز مالکیت در شرکتهای با مالکیت خصوصی تر بدلیل اثر تعدیل شونده که نوع ساختار مالکیت خصوصی داشته است موجب ایجاد رابطه مثبت بین تمرکز مالکیت و کیفیت اطلاعات مالی گردیده است. این در حالی است که در شرایط عادی این رابطه منفی تصور می شد. بعبارت دیگر در شرکتهای با ساختار دولتی، افزایش تمرکز مالکیت باعث کاهش کیفیت اطلاعات می شود اما با خصوصی تر شدن شرکتهای افزایش تمرکز باعث افزایش کیفیت اطلاعات مالی می شود. از سوی دیگر با توجه به اثر تعدیل کنندگی ساختار مالکیت بر فرهنگ سازمانی، قاعدتاً می توان نتیجه گرفت که در ساختارهای خصوصی تر هرچه فاصله قدرت در سازمان بیشتر باشد اثر مطلوب تری بر کیفیت اطلاعات می گذارد اما در سازمان های دولتی تر نتیجه کاملاً عکس است و هرچه فاصله قدرت بیشتر شود کیفیت اطلاعات کمتر می شود. بطور خلاصه می توان گفت هرچه ساختار مالکیت شرکتی خصوصی تر باشد، فرهنگ سازمانی و تمرکز مالکیت اثر مثبت و مطلوب تری روی کیفیت اطلاعات دارد اما در شرکتهای کمتر خصوصی این موضوع عکس می شود. یعنی در شرکتهای کمتر خصوصی فرهنگ سازمانی و تمرکز مالکیت اثر منفی و نامطلوب روی کیفیت اطلاعات مالی دارند. از این نتیجه آماری چنین می توان پیشنهاد نمود که سازمان بورس و سایر نهادهای ذیربط باید تدبیری بیندیشند و یا مقرراتی تنظیم نمایند که شرکتهای کمتر خصوصی تنها مجاز به داشتن حداکثر ۲۵٪ سهام شرکتهای بورسی (بطور مستقیم یا با واسطه و از طریق شرکتهای زیر مجموعه ایشان) را داشته باشند. یکی دیگر از نتایج ظریف این تحقیق روشن شدن اثر منفی فرهنگ سازمانی روی کیفیت اطلاعات مالی شرکتهای مورد بررسی در این تحقیق است. می توان چنین استنباط نمود که شرکتهای بورسی طبق نظریه بلوغ آرگریس^۹، سازمانهای نابالغی هستند که بواسطه فاصله قدرت زیاد در سازمان، بشیوه بوروکراسی اداره می شوند و این فرهنگ سازمانی ناسالم همراه با سایر عوامل منجر به ارائه اطلاعات با کیفیت پایین توسط مدیران مالی شرکتهای شده است. شاید

یکی از دلایل این امر عدم اولویت توجه مقامات بالایی شرکت به ارائه اطلاعات شفاف و با کیفیت به سایر سهامداران باشد و ایشان به دلایلی نظیر فرار از پرداخت مالیات و... ترجیح می دهند تا اطلاعات بی کیفیت را به استفاده کنندگان از اطلاعات (من جمله سهامدارانشان که فاقد چتر حمایتی لازم هستند) ارائه نمایند. بدیهی است اگر تدبیری سریع و راهکاری مدبرانه در این خصوص اتخاذ نشود و چتر حمایتی بر سر استفاده کنندگان اطلاعات گسترده نشود، دیری نمی گذرد که اعتماد عموم نسبت به این حرفه در ایران از بین خواهد رفت، بنابراین لازم است برنامه ای مناسب در این خصوص پیاده شود.

پی نوشت ها

1. Institutional Theory
2. Ownership structure
۳. گزارش پژوهشی شماره ۲۷۰۷۰۲۷، مهرماه ۱۳۷۶
4. Ownership Concentration
۵. راساس آمار منتشره از سوی بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ شاخص حمایت از سرمایه گذاران، ایران نمره ۳ را کسب کرده است. این در حالی است که نمره منطقه از این نظر ۴/۸ و نمره OECD نیز ۵/۸ گزارش شده است، و رتبه ایران از این لحاظ در جهان ۱۶۴ است (روزنامه دنیای اقتصاد، شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۸۷).
۶. بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، هلال احمر، کمیته امداد، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سازمان تامین اجتماعی، جهاد دانشگاهی، موسسه جهاد توسعه، موسسه جهاد نصر، موسسه جهاد استقلال، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد ۱۵ خرداد، بنیاد صدوق بزرگ، سازمان تبلیغات اسلامی، کمیته ملی المپیک، بنیاد امور بیماریهای خاص، کتابخانه حضرت آیت اله مرعشی نجفی، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی
7. Cross-sectional
8. Structural Equation Modeling
9. Argris

منابع فارسی

- امیرخانی، کوروش؛ اعتمادی، حسین (۱۳۸۸). بررسی نقش هموارسازی سود در بهبود اطلاع دهندگی سودها و جریانهای نقدی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- تقوی، مهدی؛ احدی سرکانی، سیدیوسف (۱۳۸۶). تاثیر رشد اقتصادی بر ساختار مالی و مالکیت شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، تابستان، سال هفتم، تابستان، شماره ۲۵، ص ۱۹۷-۲۳۵

دیانتی دیلمی، زهرا. (۱۳۸۲)، بررسی تاثیر فرهنگ بر ارزشهای حسابداری در ایران: آزمون تجربی مدل گری (Gray)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران رضازاده؛ جواد. (۱۳۸۱). رابطه فرهنگ با ارزشهای حسابداری (محافظه کاری و پنهانکاری)، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.

رنجبر درگاه، فائزه. (۱۳۸۴). بررسی اثر نوع مالکیت بر عملکرد شرکتها/تجربه خصوصی سازی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت بازرگانی - گرایش مالی، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی.

سیاسی، سحر. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین ارزشهای فرهنگی با هموار سازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.

شورورزی، محمد؛ مدرس، احمد؛ نیکو مرام، هاشم، ۱۳۸۷، استفاده از خصوصیات کیفی مفاهیم نظری گزارشگری مالی در ارزیابی کیفیت سود، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد (واحد علوم تحقیقات)، دانشکده اقتصاد و مدیریت.

قانون مدیریت خدمات کشوری، انتشارات فرمنش، ۱۳۸۶،

معین، محمد، ۱۳۸۴، فرهنگ دو جلدی معین، انتشارات آدنا، چاپ سوم، جلد دوم.

مهدوی، ابوالقاسم؛ میدری، احمد. (۱۳۸۴). ساختار مالکیت و کارایی شرکت‌های فعال در بازار اوراق بهادار تهران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۱، زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۰۳-۱۳۲

هاشمی گوهر، محسن. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین فرهنگ و طرز تلقی حسابداران در مورد هماهنگ سازی استانداردهای حسابداری بین المللی در ایران و تطبیق آن با کشورهای آمریکا و کامرون، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران

منابع لاتین

- Affleck-Graves, J., Callahan, C.M., & Chipalkatti, N. (2002). Earnings predictability, formation asymmetry, and market liquidity. *Journal of Accounting Research*, 40(3), 561-583.
- Akimova, I., & Schwödiauer, G. (2004). Ownership structure, corporate governance, and enterprise performance: Empirical results for Ukraine. *International Advances in Economic Research*, 10(1), 28-42.
- Ball, R., Shivakumar, L. (2005). Earnings Quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, 39, 83-128.

- Barua, A.(2006).*Using the FASB qualitative characteristics in earnings quality measures*, a doctoral dissertation, Faculty of the Louisiana State University
- Bozec , Y., & Bozec , R.(2007).Ownership concentration and corporate governance practices: substitution or expropriation effects? *Canadian Journal of Administrative Sciences / Revue Canadienne des Sciences de l'Administration*, 24 (3), 182 – 195.
- Chioun, J.R. & Lin Y.H.(2005). The Structure of Corporate Ownership: A Comparison of China and Taiwan's Security Markets.*The Journal of American Academy of Business, Cambridge*. 6(2),123-127
- Clark & Worjck.(2005).Financial Valuation of German Model: The Negative Relationship Between Ownership Concentration and stock ,Market Returns,1997-2001. *Economic Geograhy*. 81(1), 11-29
- Deng, X., Wang, Z. (2006). Ownership structure and financial distress: evidence from public-listed firms in China.*International Journal of Management*,23(3),486-502
- Ding , Y., Hua,Y.,&Junxi,Y.(2004).*Ownership concentration and earnings management: A Comparison between Chinese Private and State- Owned Listed companies* Retrieved from <http://www.commerce.adelaide.edu.au/research>.
- Ding , Y., Hua,Y.,&Junxi,Y.(2007). Private vs State Ownership and Earnings Management: Evidence from Chinese Listed Companies. *Corporate Governance: An International Review* 15(2),223-238.
- Gray,S.J.,& Vint,H.M.(1995). The Impact of Culture on Accounting Disclosures: Some International Evidence. *Asia-Pacific Journal of Accounting* .33-43.
- Gray,S.J.,(1988). Towards a Theory of Cultural Influence on the Development of Accounting of Accounting Systems Internationally. *Abacus*.24, P1-15
- Hofsted,G.(1983). Dimensions of National Culture in Fifty Countries and Three Regions, inJ.B Deregowski,D. Dzuirawiec, and R.C Annis eds., *Explications in Cross-Cultural Psychology*[Swets and Zeitlinger].

- Imhoff, E. A. (2003). Accounting Quality, Auditing, and Corporate Governance. *Accounting Horizon*, 17, 117–128.
- Kothari, S.P., Leone, A.J., & Wasley, C.E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39, 163-197.
- Dahawy, K., Meerino, D.B., & Conover, T.L. (2002). The Conflict Between IAS Disclosure Requirement and the Secretive Culture in Egypt. *Advances in International Accounting*, 5, 203-228.
- Meyers J. Rowan. (1977). Institutionalized organizations: Formal Structures as Myth and Ceremony, *American Journal of Sociology*, 83(2), 340-363.
- McDonald, R.P. & Ringo Ho, M-H. (2002). Principles and Practice in Reporting Structural Equation Analyses. *Psychological Methods*, 7(1), 64-82
- McLuaghlin, S.D. (2006). English Language Proficiency, Occupational Characteristics and the Employment Outcomes of Mexican- American Men. *Seattle: Batell Human Affairs Research Center*.
- Pincus, M. (1983). Information characteristics of earnings announcements and stock market behavior. *The Accounting Review*, 21, 155-183.
- Polsiri, P. (2005). *Ownership Concentration and Corporate Distress Prediction: A Literature Survey*, Retrieved from <http://www.dpu.ac.th/DPUIIC>
- Vickrey, D.W. (1985). Normative Information Qualities: A Contrast Between Information –Economics and FASB Perspectives. *Abacus*, 115-129
- Wakeling, I.N. & Morris, J.J. (2005). A test of significance for partial least squares regression. *Journal of Chemometrics*, 7(4), 291 – 304.
- Wingate, M.L. (1997). An Examination of Cultural Influence on Audit Environments. *Research in Accounting Regulation*, 1, 129-148.

¹Institutional Theory

²! Ownership structure

گزارش پژوهشی شماره ۲۷۰۷۰۲۷، مهرماه ۱۳۷۶

⁴! Ownership Concentration

^۵ براساس آمار منتشره از سوی بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران، ایران نمره ۳ را کسب کرده است. این در حالی است که نمره منطقه از این نظر ۴/۸ و نمره OECD نیز ۵/۸ گزارش شده است، و رتبه ایران از این لحاظ در جهان ۱۶۴ است (روزنامه دنیای اقتصاد، شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۸۷).

۶ بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، هلال احمر، کمیته امداد، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سازمان تامین اجتماعی، جهاد دانشگاهی، موسسه جهاد توسعه، موسسه جهاد نصر، موسسه جهاد استقلال، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد ۱۵ خرداد، بنیاد صدوق بزرگ، سازمان تبلیغات اسلامی، کمیته ملی المپیک، بنیاد امور بیماریهای خاص، کتابخانه حضرت آیت اله مرعشی نجفی، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی

⁷ Cross-sectional

⁸!Structural Equation Modeling

⁹!Argis

منابع و ماخذ:

امیرخانی، کوروش؛ اعتمادی، حسین. (۱۳۸۸). بررسی نقش هموارسازی سود در بهبود اطلاع دهنده گی سودها و جریانات نقدی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

- تقوی، مهدی؛ احدی سرکانی، سیدیوسف. (۱۳۸۶). تاثیر رشد اقتصادی بر ساختار مالی و مالکیت شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، تابستان، سال هفتم، تابستان، شماره ۲۵، ص ۲۳۵-۱۹۷
- دیانتی دیلمی، زهرا. (۱۳۸۲). بررسی تاثیر فرهنگ بر ارزشهای حسابداری در ایران: آزمون تجربی مدل گری (Gray)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
- رضازاده؛ جواد. (۱۳۸۱). رابطه فرهنگ با ارزشهای حسابداری (محافظه کاری و پنهانکاری)، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رنجبر درگاه، فائزه. (۱۳۸۴). بررسی اثر نوع مالکیت بر عملکرد شرکتهای (تجربه خصوصی سازی در ایران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت بازرگانی - گرایش مالی، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی.
- سپاسی، سحر. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین ارزشهای فرهنگی با هموار سازی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
- شورورزی، محمد؛ مدرس، احمد؛ نیکو مرام، هاشم، ۱۳۸۷، استفاده از خصوصیات کیفی مفاهیم نظری گزارشگری مالی در ارزیابی کیفیت سود، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد (واحد علوم تحقیقات)، دانشکده اقتصاد و مدیریت.
- قانون مدیریت خدمات کشوری، انتشارات فرمنش، ۱۳۸۶، ص ۲ و ۳.
- ماه اورپور، راضیه. (۱۳۸۶). بررسی اثرات تمرکز مالکیت بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حسابداری، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد.
- معین، محمد، ۱۳۸۴، فرهنگ دو جلدی معین، انتشارات آدنا، چاپ سوم، جلد دوم، ص ۱۵۷۸
- مهدوی، ابوالقاسم؛ میدری، احمد. (۱۳۸۴). ساختار مالکیت و کارایی شرکتهای فعال در بازار اوراق بهادار تهران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۱، زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۰۳-۱۳۲
- هاشمی گوهر، محسن. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین فرهنگ و طرز تلقی حسابداران در مورد هماهنگ سازی استانداردهای حسابداری بین المللی در ایران و تطبیق آن با کشورهای آمریکا و کامرون، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران

Affleck-Graves, J., Callahan, C.M., & Chipalkatti, N., (2002). Earnings predictability, formation asymmetry, and market liquidity. *Journal of Accounting Research*, 40(3), 561-583.

- Akimova ,I., & Schwödiauer,G,(2004). Ownership structure, corporate governance, and enterprise performance: Empirical results for Ukraine. *International Advances in Economic Research*, 10(1), 28-42.
- Ball,R,.Shivakumar,L,(2005),Earnings Quality in UK private firms: comparative loss recognition timeliness. *Journal of accounting and economics*, 39, 83-128.
- Barua, A,(2006),Using the FASB qualitative characteristics in earnings quality measures, a doctoral dissertation, Faculty of the Louisiana State University
- Bozec , Y,. Bozec , R,(2007).Ownership concentration and corporate governance practices: substitution or expropriation effects?.*Canadian Journal of Administrative Sciences / Revue Canadienne des Sciences de l'Administration*, 24 (3), 182 – 195.
- Chioun, Jeng-Ren, Lin,& Yi-Hua,(2005). The Structure of Corporate Ownership: A Comparison of China and Taiwan's Security Markets.*The Journal of American Academy of Business, Cambridge*. 6(2),123-127
- Clark & Worjck.(2005).Financial Valuation of German Model: The Negative Relationship Between Ownership Concentration and stock ,Market Returns,1997-2001. *Economic Geograohy*. 81(1), 11-29
- Deng, X., Wang, Z. (2006). Ownership structure and financial distress: evidence from public-listed firms in China.*International Journal of Management*.23(3),486-502
- Ding , Y,. Hua,Y.,&Junxi,Y,(2004).Ownership concentration and earnings management: A Comparison between Chinese Private and State- Owned Listed companies Electronic copy of this paper is available at:<http://www.commerce.adelaide.edu.au/research>.
- Ding , Y,. Hua,Y.,&Junxi,Y,(2007). Private vs State Ownership and Earnings Management: Evidence from Chinese Listed Companies. *Corporate Governance: An International Review*. 15(2),223-238.

- Gray,S.J.,& Vint,H.M.,(1995). The Impact of Culture on Accounting Disclosures: Some International Evidence. *Asia- Pacific Journal of Accounting* .33-43.
- Gray,S.J.,(1988). Towards a Theory of Cultural Influence on the Development of Accounting of Accounting Systems Internationally. *Abacus*.24, P1-15
- Hofsted,G.,(1983). Dimensions of National Culture in Fifty Countries and Three Regions, inJ.B Deregowski,D. Dzuirawiec, and R.C Annis eds., Explications in Cross-Cultural Psychology[Swets and Zeitlinger].
- Imhoff, E. A., (2003).Accounting Quality, Auditing, and Corporate Governance. *Accounting Horizon*. 17,117–128.
- Kothari, S.P., Leone,A.J., &Wasley, C.E.,(2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*. 39 ,163-197.
- Dahawy,K.,Meerino,D.B., & Conover,T.L.(2002). The Conflict Between IAS Disclosure Requirement and the Secretive Culture in Egypt. *Advances in International Accounting*,5,203-228.
- MeyersJohn. ,Rowan.,(1977). Institutionalized organizations: Formal Structures as Myth and Ceremony, *American Journal of Sociology*.83(2),340-363.
- McDonald, RP,. & Ringo Ho, M-H ,(2002).Principles and Practice in Reporting Structural Equation Analyses. *Psychological Methods*, 7(1), 64-82
- McLuaghlin,S.D.,(2006). English Language Proficiency, Occupational Characteristics and the Employment Outcomes of Mexican- American Men. *Seattle: Batell Human Affairs Research Center*.
- Pincus, M., (1983). Information characteristics of earnings announcements and stock market behavior. *The Accounting Review*, 21, 155-183.
- Polsiri, Piruna .(2005).Ownership Concentration and Corporate Distress Prediction: A Literature Survey, Electronic copy of this paper is available at: <http://www.dpu.ac.th/DPUIC>

- Vickrey, Don, W., (1985). Normative Information Qualities: A Contrast Between Information –Economics and FASB Perspectives. *Abacus*, 115-129
- Wakeling, Ian N. & Morris, Jeff J. (2005). A test of significance for partial least squares regression. *Journal of Chemo metrics*, 7(4), 291 - 304. Retrieved 8/28/200
- Wingate, Michele L., (1997). An Examination of Cultural Influence on Audit Environments. *Research in Accounting Regulation*, 1, 129-148.